

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

## خلاصه مباحث سال تحصیلی گذشته

### مبحث اول: نقد و بررسی قاعده «المثلي يضمن بالمثل و القيمي يضمن بالقيمة»

بحث ما بر حسب آنچه که در کتاب البیع تحریر الوسيله ي امام (رضوان الله تعالی علیه) هست در مسئله ي سیزدهم هستیم. در این مسئله ي سیزدهم به مناسبت بحث ضمان در سال گذشته بحمدالله مباحث مهمی را مطرح کردیم، این قاعده که حالا به عنوان يك قاعده ي فقهی هم شاید بشود در کلمات مطرح شود و شاید هم بعضی از بزرگان در قواعد فقه شان مطرح کرده باشند! که در باب ضمان می گویند «المثلي يضمن بالمثل و القيمي يضمن بالقيمة» ما بحث مفصلی را پیرامون این قاعده داشتیم که این مطلب چه دلیلی دارد. در مورد «المثلي يضمن بالمثل و القيمي يضمن بالقيمة» نه روایت خاصی وارد شده و نه آیه ای بر آن دلالت دارد! ما بحث مفصلی در این مورد ذکر کردیم و به این نتیجه رسیدیم که از ادله ي متعدده ي که برای این کبری کلی ذکر شده نمی توان این قاعده را به دست آورد. از جمله مستندات عبارت است از:

1. آیه ي اعتداء «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» گفتیم برخی خواستند از این آیه ي اعتدای این کبری را استفاده کنند، بحث مفصلی را در مورد این آیه شریفه داشتیم و استدلال به این آیه بر این مدعا را رد کردیم، گفتیم این آیه شریفه دلالت بر این ندارد که المثلي يضمن بالمثل و القيمي يضمن بالقيمة، خصوصاً در اینکه مراد از این «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى» مراد از این مماثلت در اعتدای چیست؟ اینجا نکات خیلی مهمی را بیان کردیم و گفتیم این آیه ي شریفه بالأخره دلالت بر این کبری ندارد.
2. برخی به حدیث «علي الید» تمسك کرده بودند که آن را هم مفصل مورد بحث قرار دادیم و گفتیم آن هم دلالت ندارد.
3. برخی به قاعده ي احترام «حرمة مال المؤمن كحرمة دمه» استدلال کردند، او را هم مناقشه کردیم.
4. برخی حتی برای این کبری به يك دلیل عقلي استناد کرده بودند که آن دلیل عقلي را مطرح کردیم و او را هم مورد مناقشه قرار دادیم.
5. برخی به روایات هم استدلال کرده بودند. ما تمام ادله ي که برای این کبری مطرح شده بود را مورد بحث قرار دادیم.
6. مرحوم امام (رضوان الله علیه) و مرحوم آقای خوئی و جمع دیگری از معاصرین، اینها تنها و تنها دلیلی که برای این کبری پذیرفتند بنای عقلاست، سیره عقلاست. سیره ي عملی و بنای عملی عقلاً بر این است که در باب ضمان در مثلیات می گویند ضمان به مثل است و در قیمیات به قیمت است. این را به اینجا که رسیدیم باز يك نقطه ي افتراقی را از امام و مرحوم آقای خوئی در همین بنای عقلاً پیدا کردیم. گفتیم اگر از ما سؤال کنید می گوئیم عقلاً می گویند در همه موارد ضمان به مثل است، چه

در مثلیات و چه در قیمیات. هر جا اگر مال کسی تلف شد، یا تلف کردند، اگر مثلش موجود است عقلاً می‌گویند مثلش را باید داد، خواه مثلی باشد یا قیمی باشد. به عبارت دیگر عرض کردیم بنای عقلاً يك دليل لبّي است، قدر متیقّن از این دلیل لبّي این است که ضمان به مثل است در همه‌ی امور.

باز این را یادآوری می‌کنم که مجموعاً در باب ضمان چهار نظریه وجود دارد، اگر کسی مالی را تلف کرد یا مال دیگری در دستش از بین رفت مجموعاً چهار نظریه وجود دارد. يك نظریه نظریه‌ی مشهور است، چه بسا ادعای اجماع هم بر آن شده که ما بحث‌هایش را انجام دادیم و یکی از ادله‌ی این کبری را همین اجماع قرار داده بودند که «المثلي يضمن بالمثل و القيمی يضمن بالقيمة» این يك نظریه است و مشهور هم این نظریه را دارند.

نظریه‌ی دوم این است که در تمام موارد ضمان به مثل است مگر آنجایی که مثل نادر باشد یا متعذّر باشد در تمام موارد ضمان به مثل است، چه در مثلیات و چه در قیمیات. ضمان به مثل است در همه‌ی موارد.

قول سوم این است که در همه‌ی موارد ضمان به قیمت است، اما کدام قیمت؟ همین درهم و دانیر، ضمان به قیمت است. هر چیزی که تلف شد باید پولش را بدهد، خواه مثلی باشد خواه قیمی.

قول چهارمی هم بود که مال مرحوم ایروانی بود، مرحوم ایروانی می‌گفت در تمام موارد ضمانات، ضمان به قیمت است ولی مرادش از قیمت، قیمت ساریه بود. مرحوم ایروانی بر این اعتقاد بود که اگر شما يك فرشی که ده هزار تومان است را تلف کردید یا خود به خود تلف شد، شما آمدید يك ميز ده هزار تومانی دادید کافی است یا يك ماشین ده هزار تومانی دادید کافی است، يك جنسی که همین اندازه مالیت دارد کافی است. آن شخص نمی‌تواند بگوید تو فرش تلف کردی باید فرش برایم بیاوری، نه! ایشان معتقد بود که در تمام موارد ضمان، آنچه که باید ضامن بپردازد مالیت این تالف است، این فرشی که از بین رفته ده هزار تومان است و به جای این فرش ده هزار تومان آجر بده، ده هزار تومان لباس بده، هر چي که خواست بده! که این فرمایش مرحوم ایروانی هم مخالف با اجماع است و هم مخالف با همین بنای عقلاست، عقلاً این را قبول ندارند. يك کسی که شما فرشش را تلف کردی، بگوئید من به جای این فرش پنجاه جلد کتاب به تو می‌دهم، از شما قبول نمی‌کنند! می‌گویند کتاب به چه درد من می‌خورد، هر چه بگوئید این پنجاه جلد قیمتش در بازار به اندازه‌ی همین يك فرش است، عقلاً این را قبول نمی‌کنند! این نظریه‌ی مرحوم محقق ایروانی که ایشان قیمت ساریه را معتبر بدانند، چون گاهی اوقات در بعضی از نوشته‌جات و مقالات، این نظریه‌ی ایروانی را متوجه نشدند، می‌گویند ایروانی می‌گوید قیمت در همه‌ی ضمان‌ها باید داده شود. قیمت يك معنایش همان پول است که می‌گوئیم این فرش ده هزار تومان ارزش دارد و پولش را به مالك فرش بپردازد، يك معنای قیمت، قیمت ساریه یعنی همان مالیت است، بگوئیم ده هزار تومان فرش است و منم ده هزار تومان کتاب بدهم، مرحوم ایروانی قیمت ساریه را قائل است.

علی کل حال در باب ضمان این چهار نظریه وجود دارد. ما برای نظریه مشهور که می‌گویند المثلي يضمن بالمثل و القيمی يضمن بالقيمة، که امام (رضوان الله علیه) از راه بنای عقلاً و مرحوم آقای خوئی و بقیه از راه بنای عقلاً پذیرفتند، ما گفتیم قدر متیقّن از بنای عقلاً چیز دیگری است. عقلاً می‌گویند هر چیزی که تلف شده تا مادامی که مثلش موجود است باید مثلش را بپردازیم، خواه مثلی باشد یا قیمی! عقلاً این را می‌گویند. ما این نظر را داریم، آنجایی که مثلش متعذّر است یا نادر است آنجا انتقال به قیمت پیدا می‌کند.

ما این کبری را بحث کردیم، بعد این نقطه رسیدیم که بنای عقلاً بر این قاعده نیست! عقلاً در همه‌ی موارد می‌گویند ضمان به مثل است، چه در مثلیات و چه در قیمیات.

## مبحث دوم: تعریف کالای مثلی و قیمی

بحث دیگر این بود که «ما هو المثلي و ما هو القيمي؟» به مناسبت مصداق، این بحث مستحدث و مورد ابتلا را مطرح کردیم که آیا اسکناس مثلی است یا قیمی؟ این را هم مورد بحث قرار دادیم که شاید حدود بیست و پنج جلسه بحث خیلی مفصلي را ذکر کردیم و این بحث را هم تمام کردیم.

## مبحث سوم: نقد بررسی نظریه خطابات قانونیه

به مناسبتی که امام در همین بحث ضمان در يك جایی به مسئله‌ی خطابات قانونیه اشاره کرده بودند ما عرض کردیم یکی از مبانی مهمی که امام ابداع کردند و قبل از امام کسی این مبنا را نداشته، حالا برخی خواستند بگویند تعبیر به قانون در کلمات اصفهانی آمده، در کلمات آخوند در کفایه آمده، ولی نه! اینکه امام گفتند ما دو جور خطاب داریم، خطاب شخصی و خطاب قانونی و آمدند برای خطاب قانونی آثاری را ذکر کردند، این مبناي امام را مورد بحث قرار دادیم و بالأخره منتهی شدیم به اینکه ما نفهمیدیم فرمایش امام را و نشد بپذیریم کلام امام را. اما قبلاً هم عرض کردیم خود مرحوم حاج آقا مصطفی (رضوان الله تعالی علیه) با اینکه در بسیاری از موارد در فقه و اصول با فرمایشات والدشان مخالفت کردند، به این نظریه که می‌رسد به قدری تجلیل می‌کند از این نظریه و تعبیر می‌کند به اینکه این يك عنایت خاصی است که خدای تبارک و تعالی به والد ما کرده و این نظریه را به ایشان الهام کرده و می‌گوید از اول فقه تا آخر فقه این نظریه اثر دارد و حق هم همین است.

اگر نظریه‌ی خطابات قانونیه‌ی امام پذیرفته شود، کما اینکه والد ما (رضوان الله تعالی علیه) این نظریه را پذیرفتند و خیلی جاهایی که خود امام هم این نظریه را تطبیق و پیاده نکردند ایشان پیاده کردند، واقعه‌ش همین است که از اول فقه تا آخر فقه را اثرگذار است. حتی همین دیروز من به یکی از آقایان گفتم امام در تحریر الوسیله می‌فرمایند در باب امر به معروف و نهی از منکر باید احتمال تأثیر بدهیم، این را در متن تحریر دارند و مشهور هم دارند در بحث امر به معروف و نهی از منکر، من گفتم که این برخلاف مبناي خودشان است، روی مبناي خطابات قانونیه امر به معروف واجب است و نهی از منکر واجب است، مشروط به این شرط هم نیست.

## مبحث چهارم: نقد و بررسی قاعده عدل و انصاف

سال گذشته بحث قاعده عدل و انصاف را هم مطرح کردیم، یعنی واقعاً بحث بیع يك بحث بسیار بابرکتی است، اولاً در بحث بیع بسیاری از قواعد و ضوابط و اموری که مربوط به هم‌ی معاملات است اینجا مطرح می‌شود، یعنی اگر واقعاً طلبه‌ای بحث بیع را کاملاً منقح کند، این بر نود درصد بحث معاملات در فقه مسلط می‌شود، در معاملات در فقه ما یا به قاعده‌ی علی الید تمسك می‌کنیم، یا قاعده سلطنت، یا قاعده احترام، یا قاعده اقدام، یا بحث ضمان مطرح است، تماش در بحث بیع مطرح می‌شود. ملاحظه می‌کنید که سال گذشته این مباحث مطرح شده است.

## مباحث سال جدید تحصیلی

حالا امسال بحث ما به اینجا رسیده که می‌خواهیم ببینیم آیا القیمی یضمن بالقیمه است یا نه؟ که باز يك رجوعی باید بکنیم به برخی از روایاتی که آنجا مطرح کردیم، يك روایاتی داریم از این روایات استفاده می‌شود ضمان مطلقاً به قیمت است، اما این روایات برخلاف اجماع است، چون اجماع داریم المثلي یضمن بالمثل، شاید صاحب جواهر تعبیر می‌کند این از ضروریات فقه

است که المثلي یضمن بالمثل، آن وقت این روایت را چکار کنیم؟

ما می‌خواهیم این بحث را مطرح کنیم که چرا در قیّمیات ضمان به قیمت است، ولو بحثش را در اول سال گذشته در ضمن آن کبری گفتیم اما يك روایاتی است که از این روایات استفاده می‌شود ضمان به قیمت است مطلقاً، هم در مثلیّات و هم در قیّمیّات، اگر این روایات درست باشد آن بنای عقلاً از بین می‌رود، چه ارتباطی بین این روایات و بنای عقلاست، ما این روایات را باید مطرح کنیم، که البته بعضی از این روایات هم در همان اوّل سال گذشته مطرح شده ولی مجدداً مطرح خواهیم کرد. یکی از اینها روایت صحیحی‌ای ابی‌ولاد است که بحث خیلی مهمی دارد.

بحث مهم‌تر که امروزه خیلی مورد ابتلاست این که يك مالي را پنج سال پیش از شما تلف کردند، آن زمانی که تلف شده قیمتش ده هزار تومان بوده، الآن قیمتش يك میلیون است، آیا قیمت يوم التلف مراد است؟ قیمت يوم الادا ملاك است؟ أعلی القیم ملاك است؟ که این يك بحث خیلی مهم و مورد ابتلا است. این دو سه بحث را مطرح کنیم دیگر مسئله‌ی سیزده تمام می‌شود و بعد وارد بحث بیع الصبی می‌شویم که بحث بسیار مهمی است و آنجا هم بحث‌های اجتهادی و چالش‌دار زیاد دارد.

برخی از فقها این نظر را دارند که در قیّمیّات، درست است که می‌گوئیم ضمان به قیمت است ولی مالک اختیار دارد که به ضمان بگوید تو مثل این را برای من بیاور اگر مثلش موجود باشد، این بحث را ان شاء الله فردا دنبال می‌کنیم، برای مراجعه به کتاب البیع امام جلد اول صفحه 581 مراجعه کنید.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين